

نیما ، پیامبری در شعر فارسی

مهرداد مهرجو

شکستن سنت هانی که در طی تاریخ در اذهان زمان از تغییر و تبدیل رسوب کرده اند در ابتدای امر کاری است دشوار و خطر . اولین کسی که این حریم را نادیده می گیرد و به سمت رهیافتی جدید متمایل می شود عموماً با مخالفت سنت مداران و عناد بر خاسته از همان تعصبات رسوب شده روبرو می شود. عموماً انسانها به شخصیت اجتماعی خود زیاد وقع می نهند و تقابل با ارزش های نهادینه شده سنت در جوامع سنت زده با ضریب بالایی از خطر برای و بخصوص با ترور شخصیتی همراه است. واقعیت این است که انسان از بهم خوردن نظم دور و بر خود شدیداً در هراس است. هر چند میل به تغییر همچون سانقی از سانق های طبیعی او همواره با اوست لیکن او تغییرات غیر قابل تصور خود را بر احوالی نمی پذیرد و اذهان تنبل مخصوص خود را در معرض بیشترین صدمه می بیند و ساده ترین راه حل برایش طرد و تکفیر نو اندیشان و نو گرایان است. در سویی دیگر قضیه هم نو گرایی تنها زمانی ارزش تاریخی و انسانی بخود می گیرد که از معرفتی بالیده در سنت مایه گرفته باشد. نو گرایی به نادیده گرفتن و بی ارزش ساختن تربیبات و آموزه های مفید بشری ذاتی در سنت نیست. مسلماً آنچه مسیر ترقی انسان و شکل گیری تمدن ها را رقم زده است تجربیاتی است که نسل ها بر هم انباشته شده و از مسیر آزمون و خطاهای بسیاری گذشته اند بنا براین نو اندیشی و نو گرایی زمانی ارزش تاریخی می گیرد که رهیافتی جدید باشد. اما بالیده در سنت و اینجاست که مقاومت سلسله سران سنت را باید شکست.

نیما شخصیتی است پیامبرگونه در شعر فارسی. زندگی او ، رنج و دردش از بی عدالتی های اجتماعی، شکستن قالب های منجمد زبان در شعر فارسی و رویکرد به نگرش روز که انگار تولد و حیات او رسالت پیامبرگونه بی را تداعی گر است که از توان و تحمل افراد معمولی اجتماع بیرون است. قصد اسطوره پردازی نیست و از زندگی و آثار و منش نیما بدور است که سایه شخصیتی از او در ادبیات قائل شویم که خود با فلسفه نو گرایی و نو اندیشی و سنت گرایی در تنافر است لیکن بیان واقعیات زندگی و آثار نیما نمایانگر نبوغ و شکیبایی خارق العاده اوست. روح سرکشی که طنین فریاد آزادی خواهی و عدالت خواهی است انسان را از ژرفای متون گذشته بیرون کشیده و به زبان امروزی در دسترس مخاطبین می گذارد که قشری اندیش و سنت زنگار توهم و تعصب تأویل آنها را به انسان امروزی مشکل ساخته است. کاملاً روشن است که کار انقلابی نیما نه تنها شعر زبان فارسی بلکه شعر در زبان های را از رکود و رخوت زمستانی خود در آورده است و به بهاری با ... اردو ، عربی ، پشتو و رستاخیز رویش رهنمون می شود. با ورود طلایه های فکری مدرنیزاسیون لزوم تعبیر و تفسیر جدیدی از سنت احساس شد اندیشمندان و روشنفکران ما عموماً از آن استقبال کردند و در این میان انگشت شمارند کسانی که همانند نیما این ودیعه را به بهترین شکل بومی کرده اند. مباحث آزادی خواهی که عمدتاً پس از انقلاب فرانسه وارد گفتمان های سیاسی ادبی کشور شد زمینه آبی فراهم کرد که بازنگری درست ادبی ما صورت گیرد و این بمدد تعمد و تفکر و بردباری مردانی نظیر نیما روحی تازه در کالبد افسرده ادبیات دمید.

باری نیما با اندیشه آزادی خواهی و عدالت خواهی با حسی که از انساندوستی سرچشمه می گیرد فریاد آبی آدمها را سر می دهد و هشدار بیداری می دهد و همه کس را به صلح و نوع دوستی و وحدت فرا می خواند . او خوب می داند که چه می خواهد و با آگاهی از مسائل اجتماعی سیاسی و دردهای انسان معاصر اندیشه و افکارش را با بردباری و ایمان در رگ زمان به جریان واداشت.

mehrju@ParsiMail.com